



متغیرهای میانجی در بهبود روابط ایران و مصر



مجموعه مقالات



متغیرهای میانجی در بهبود روابط ایران و مصر



کاری از اندیشکده راهبردی تبیین



وبسایت اندیشکده: www.Tabyincenter.ir



نشانی:

تهران، خیابان پاسداران، چهارراه فرمانیه، **خیابان شهید آیت الله نمر** (بوستان سابق)، خیابان نسترن، پلاک ۳۲



کد پستی: ۱۵۸۵۶۸۶۷۱۱



تلفن: ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمابر: ۲۶۱۵۳۳۳۹

فهرست

مقدمه / ۲

۱- پیشینه اختلافات دو کشور / ۳

۲- دلایل تداوم قطع روابط / ۴

۳- چگونگی حرکت به سمت همکاری / ۷

منابع / ۱۱

مقدمه

ایران و مصر از زمان پیروزی انقلاب ایران به دلیل توافقنامه کمپ دیوید و برقراری روابط رسمی مصر با رژیم صهیونیستی، روابط خود را قطع کردند و هنوز این روابط از سر گرفته نشده است. در مورد اختلافات این دو کشور تاکنون مسائل مختلفی از جمله نامگذاری یک خیابان به نام خالد اسلامبولی عامل ترور انور سادات در تهران، ساخت یک فیلم و چند مسئله‌ی حاشیه‌ای دیگر مطرح شده است. اما سیر تحولات و متغیرهای دخیل در روابط دو کشور به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد باید دلایل تداوم قطع روابط ایران و مصر را با تکیه بر عوامل دیگری بررسی کرد تا در نهایت به نتیجه‌گیری در این مورد رسید که آیا ایران و مصر با چارچوب‌های معنایی و اصول سیاستی خود در شرایط کنونی می‌توانند به سمت تنش‌زدایی و بهبود روابط گام بردارند یا عمق اختلافات دو کشور هر گونه چشم‌اندازی در این مورد را تیره و تار می‌کند. در این مطلب با نگاهی به پیشینه‌ی اختلافات ایران و مصر و دلایل تداوم قطع روابط دو کشور، به بررسی چگونگی حرکت ایران و مصر به سمت بهبود روابط و ظرفیت‌هایی که دو کشور می‌توانند از آن در راستای بهبود روابط بهره‌گیرند، می‌پردازیم.

اندیشکده راهبردی تبیین

۱- پیشینه اختلافات دو کشور

یکی از مهمترین موضوعاتی که معمولاً در ریشه‌یابی اختلافات ایران و مصر در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مطرح می‌شود، ارتباط مصر با رژیم صهیونیستی و خیانت به آرمان اسلامی فلسطین است که همچنان روابط دو کشور را تیره نگه داشته است. اما رابطه‌ی رژیم پهلوی با رژیم صهیونیستی در سال‌های پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران نیز در برخی برهه‌ها روابط ایران و مصر را با چالش مواجه ساخته بود؛ چنانکه با سقوط ملک فاروق در تابستان ۱۳۳۱ و روی کار آمدن چپ‌گرایان به ریاست جمال عبدالناصر روابط دو کشور رو به تیرگی نهاده و در سال ۱۳۳۹ به صورت رسمی این قطع رابطه توسط خود ناصر اعلام شد. گرچه تنها علت بیان شده در این تصمیم حمایت شاه ایران از رژیم اشغالگر قدس بوده است، اما بسیاری معتقدند نزدیکی افکار ناصر به بلوک شرق با وجود قرار داشتن در جمع کشورهای غیرمتعهد علت اصلی این قطع رابطه بوده است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی رژیم صهیونیستی به مهره‌ای تأثیرگذار در تصمیمات بین‌المللی، حوزه عملکرد و محدوده روابط ایران و مصر تبدیل شده است. در شهریور سال ۱۳۵۷، انور سادات و مناخیم بگین به دعوت جیمی کارتر، رئیس‌جمهور آمریکا در کمپ دیوید، یکی از استراحت‌گاه‌های رئیس‌جمهور آمریکا، گردهم آمدند و ۱۲ روز به صورت غیررسمی و مخفیانه به گفت‌وگو و مذاکره پرداختند. مفاد موجود در این مذاکره تا روز ۲۶ شهریور (۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸)، بر همگان پوشیده بود که با امضای قرارداد کمپ دیوید، در کاخ سفید آشکار شد. بر اساس این پیمان، رژیم صهیونیستی از سوی مصر به رسمیت شناخته شد، در قبال این شناسایی رژیم یهودی موظف شد از تمام صحرای سینا عقب‌نشینی کرده و این منطقه پس از تخلیه کوچ‌نشین‌های یهودی، به یک منطقه خالی از سلاح (غیرنظامی) تبدیل شود. در برابر این قرارداد، آمریکا نیز مبلغی بالغ بر ۴ میلیارد دلار برای اسکان دوباره کوچ‌نشینان پرداخت و فلسطینیان نیز در نوار غزه و کرانه غربی رود اردن تحت نظارت رژیم صهیونیستی به خودمختاری دست یافتند. این قرارداد موجب عکس‌العمل شدید کشورهای عربی شد.

از جمله اینکه، کشورهای عربی به منظور ابراز خشم و انزجار از امضای این قرارداد، رابطه خود را با مصر قطع کرده و سفارت‌خانه‌ها را تعطیل کردند، حتی مصر از اتحادیه عرب نیز اخراج شد. پیروزی انقلاب ایران باعث شد تا امام خمینی (ره) نیز در این مورد عکس‌العمل شدیدی داشته باشد. از اولین فرمان‌های حکومتی امام خمینی (ره) به دولت موقت در زمینه روابط بین‌الملل، قطع روابط دیپلماتیک با مصر بود؛ این حکم پس از نامه ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت (پس از سنجابی) مبنی بر ضرورت قطع رابطه با مصر در فضای موجود صورت گرفت. ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت نیز درباره این تصمیم، موج ایجاد شده در میان کشورهای عربی و اسلامی در منزوی کردن مصر و قطع رابطه با آن به موجب برقراری روابط دیپلماتیک با رژیم نامشروع یهودی و هماهنگی با تصمیمات دیگر کشورهای اسلامی، را عامل اصلی تصمیم به قطع روابط با مصر بیان کرد. (۱) از این زمان روابط دو کشور قطع شد و در این میان متغیرهای منطقه‌ای نیز بر این روابط بار شده و در تداوم قطع روابط ایران و مصر تاثیرگذار شدند.

۲- دلایل تداوم قطع روابط

در ریشه‌یابی دلایل تداوم قطع روابط ایران و مصر معمولاً دلایل مختلفی مطرح می‌شود. در این زمینه برخی از کارشناسان ارتباط مصر با رژیم صهیونیستی را همچنان دلیل اصلی تداوم قطع روابط ایران و مصر می‌دانند. این در حالی است که سیر تحولات منطقه‌ای نشان می‌دهد روابط مصر و رژیم صهیونیستی نباید همچنان عامل اصلی قطع روابط ایران و مصر باشد. آنچه در این میان برجسته می‌نماید، صلح اردن با رژیم یهودی در سال ۱۹۹۴ و روابط غیر رسمی ولی آشکار کشورهای حوزه خلیج فارس و به ویژه عمان، قطر و امارات عربی متحده با رژیم صهیونیستی است. اما ایران در روابط با این کشورها هیچ‌گاه عامل رژیم یهودی را به عنوان تنها عامل موثر ندانسته (هرچند همواره آن را تقبیح کرده) و با وجود اختلافات زیاد همچنان روابط خود با این کشورها را حفظ کرده است.

این امر به خوبی نشان می‌دهد که عامل رژیم غاصب صهیونیستی در اختلافات مصر و ایران تنها عامل تداوم قطع روابط نمی‌باشد و با ریشه‌یابی دقیق عوامل آن می‌توان به بهبود روابط دو کشور امید داشت.

اما در برابر این دیدگاه عده‌ای نیز معتقدند که مصر در کنار ترکیه و عربستان از نظر ایدئولوژیکی در "ترسی راهبردی" نسبت به اهداف تجدیدنظر طلبانه و حتی توسعه طلبانه ایران به سر می‌برد. چرا که به نظر این کشورها ایران در چشم‌اندازهای ترسیم شده خود به دنبال نفوذ در جهان عرب است و نفوذ ایران در یمن، لبنان، عراق و سوریه به خوبی این مساله را تایید می‌کند. (این مسائل از آنجایی اهمیت می‌یابند که مصر به عنوان مهد ناسیونالیسم عربی نمی‌تواند نفوذ فرهنگ ایرانی و غیر عربی را در جهان عرب شاهد باشد.) بنابراین نگاه بلندپروازانه ایران در مورد منطقه را به عنوان عامل عدم حل اختلافات ایران و مصر ذکر میکنند. این متغیر نیز نمی‌تواند چندان با واقعیت همخوانی داشته باشد یا حداقل عامل اصلی اختلاف دو کشور باشد. چرا که ایران هیچ‌گاه به دنبال افزایش نقش خود به صورت سلبی نبوده است. از سوی دیگر ایران با ترکیه روابط نسبتاً دوستانه‌ای دارد در حالی که ترکیه به عنوان یکی از بزرگترین رقبای ایران در جهان اسلام مطرح است. همچنین ایران و عربستان نیز که اختلافات ایدئولوژیک بسیار اساسی و زیربنایی با هم دارند توانسته‌اند در بیشتر برهه‌ها روابط خود را حفظ کنند. به استثنای چند ماه اخیر که به دنبال اعدام آیت الله شیخ نمر و واکنش‌های ایران به آن، ریاض روابط خود را با تهران قطع کرد.

اما عامل دیگری که به عنوان دلیل تعمیق اختلافات ایران و مصر به ویژه از زمان انقلاب ۲۰۱۱ در مصر مطرح می‌شود، "عربستان" است. رقابت‌های منطقه‌ای و تاثیر کشورهای عربی بر مصر همواره در تعمیق اختلافات تهران و قاهره موثر بوده است. عربستان همواره خود را در نوعی رقابت منطقه‌ای با ایران می‌بیند و ابزار خود را برای مقابله با ایران ایجاد "همگرایی عربی" علیه ایران قرار داده است.

مصر با توجه به پیشینه تمدنی و همچنین سابقه درخشان در دهه ۵۰ تا ۷۰ میلادی که جمال عبدالناصر این کشور را به مرکز جهان عرب تبدیل کرد برای عربستان جایگاه ویژه‌ای دارد. (بنابر قولی اگر مصر عطسه کند، جهان عرب سرما می‌خورد) همراهی مصر با سیاست‌های عربستان می‌تواند در میان کشورهای عربی مشروعیت تصمیمات ریاض را بسیار بالا ببرد. از سوی دیگر مصر نیز در زمینه انرژی و اقتصادی به شدت نیازمند کمک‌های کشورهای همانند عربستان است. این نیاز دو جانبه باعث شده تا اختلافات ایران و مصر متأثر از وجود متغیری به نام عربستان حل نشده باقی بماند. اما روند تحولات باعث شده تا امیدهایی در این میان به وجود بیاید. به قدرت رسیدن محمد مرسی در سال ۲۰۱۲ امیدها را به بهبود روابط ایران و مصر بیشتر کرد. اما رفتار عجیب و ناپخته محمد مرسی در اجلاس عدم تعهد در تهران و حمایت وی از برکناری بشار اسد و تاکید بر ادامه روابط با رژیم صهیونیستی نشان داد که نباید چندان به اخوانی‌ها برای بهبود روابط با مصر چشم امید داشت. سقوط مرسی در سال ۲۰۱۳ و به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی فصل تازه‌ای از سیاست خارجی مصر را به روی ایران گشود. عربستان که با پیروزی اخوانی‌ها در مصر به هراس افتاده بود بلافاصله پس از سقوط مرسی، ۵ میلیارد دلار به السیسی با هدف تقویت دولت وی کمک کرد. در واقع عربستان با استفاده از ضعف اقتصاد مصر سعی کرد تا السیسی را روز به روز بیشتر به خود نزدیک کند. نزدیکی مصر به عربستان به معنای کم‌رنگ شدن امیدها برای بهبود روابط تهران- قاهره بود. هرچند "السیسی" با اعلام موافقت خود با توافقنامه تیران و صنایع وفاداری خود را به ریاض اعلام کرد (البته این توافقنامه نیز در نهایت به سود عربستان تمام نشد و در دادگاه مصر باطل اعلام شد)، اما دیری نپایید که معادلات طور دیگری رقم خورد و کنفرانس گروزی که با شرکت علمای مصری انجام گرفت تیر خلاص را به روابط ریاض و قاهره زد، چرا که در این کنفرانس وهابیت را به عنوان فرقه‌ای خارج از اهل سنت تعریف و آن را عامل تفرقه در جهان اسلام معرفی کردند. اما این پایان کار نبود. اوایل مهر ماه، مصر از پیش‌نویس قطعنامه روسیه در خصوص سوریه حمایت کرد؛ پیش‌نویسی که حکومت آل سعود از مخالفان سرسخت آن بود. «عبدالله المعلمی» نماینده عربستان در سازمان ملل اعلام کرد که رأی مثبت مصر به پیش‌نویس طرح روسیه، برای آل سعود «دردناک» بود.

این اقدام قاهره سبب شد شرکت ملی نفت عربستان، ارسال ۷۰۰ هزار تن محصولات نفتی به مصر را در اکتبر ۲۰۱۶ متوقف کند. به دنبال این اتفاقات رسانه‌ها و مقامات مصری نیز موضع‌گیری کردند. رئیس‌جمهور مصر در واکنشی غیرمستقیم به فشارهای رژیم سعودی علیه کشورش، متذکر شد مصر سیاستی مستقل و مبتنی بر عدم مداخله در امور کشورها دارد و بحران سوریه باید از طریق راهکاری سیاسی حل و فصل شود. رسانه‌های مصری نیز مواضع نسبتاً تندی علیه عربستان گرفتند. در واقع عربستان از سال ۲۰۱۳ سعی داشت تا با استفاده از نیازهای اقتصادی مصر سیاست‌های خود را به السیسی تحمیل کند اما به نظر می‌رسد این سیاست سعودی‌ها در مورد مصر به صورت کامل موفقیت‌آمیز نبوده است. چرا که استعفای «ایاد امین مدنی» دبیرکل سازمان همکاری اسلامی به عنوان اولین عربستانی که این منصب را بر عهده داشت نیز حکایت از اختلافات مصر و عربستان دارد. (ایاد مدنی پس از مسخره کردن السیسی در تونس و به دنبال انتقادات زیاد استعفا داد) این اختلاف بین دو کشور که هرچند ممکن است اساسی و بنیادی نباشد فرصتی برای ایران مهیا کرده است که به سمت کاهش اختلافات با این کشور گام بردارد. چرا که گرایش السیسی به روسیه با وجود حفظ روابط با آمریکا نشان داد که دولت جدید مصر عملگرایی را به عنوان چارچوب رفتاری خود برگزیده است.

۳- چگونگی حرکت به سمت همکاری

با توجه به مسائل مطرح شده در بالا و با در نظر گرفتن تحولات اخیر منطقه، به نظر می‌رسد که این ظرفیت وجود دارد که ایران و مصر به سمت بهبود روابط حرکت کنند و یک عامل تسریع‌کننده و میانجی می‌تواند در این امر بسیار مفید باشد. روسیه می‌تواند به عنوان این متغیر موثر عمل کند چرا که روسیه هم با ایران و هم با مصر روابط دوستانه و نزدیکی دارد.

مصر در زمان السیسی با متوازن کردن روابط با آمریکا و روسیه، این پیام را به واشنگتن فرستاد که روسیه می‌تواند جایگزین سیاست‌های آمریکا در مصر شود. از آن زمان روز به روز بر حجم روابط اقتصادی-سیاسی و امنیتی قاهره و مسکو افزوده شد. اخیراً نیز نخستین مانور نظامی روسیه و مصر در قاهره برگزار شده است. در سال ۲۰۱۴ نیز بین دو کشور توافقنامه‌ای امضا شد که به موجب آن، روسیه با فروش جنگنده میگ ۲۹، بالگرد ام ۳۵، سامانه موشکی ساحل به دریا، سامانه‌های مختلف دفاع هوایی، مهمات و سلاح سبک به مصر موافقت کرد. همچنین در سال ۲۰۱۶ مصر و روسیه توافقنامه‌ای امضا کردند که به موجب آن مسکو ضمن پرداخت یک وام به مصر یک نیروگاه هسته‌ای در این کشور احداث خواهد کرد. این همکاری نشان دهنده آن است که مصر و روسیه سعی دارند تا روابط خود را به سمت روابطی راهبردی (هر چند در دراز مدت) سوق دهند. از سوی دیگر روسیه و ایران نیز روابط بسیار گرمی دارند که به سمت روابط راهبردی نیز در حال حرکت است. این به معنای آن است که روسیه هم در قاهره و هم در تهران نفوذ قابل توجهی دارد و می‌تواند دو کشور را به سمت بهبود روابط رهنمون کند. در این راستا روسیه می‌تواند با تکیه بر مسائل و تهدیدات مشترک ایران و مصر، گام مهمی در میانجی‌گری میان دو کشور بردارد. در این مسیر مواضع مصر در دو مسئله می‌تواند به عنوان نقطه شروع تنش‌زدایی و بهبود روابط مطرح شود: گروه‌های تکفیری و بحران سوریه.

السیسی به عنوان رئیس‌جمهور مصر بر خلاف محمد مرسی معتقد است که از دولت بشار اسد و یکپارچگی سوریه باید حمایت کرد. این همان هدفی است که ایران و روسیه نیز در ۵ سال گذشته به دنبال آن بوده‌اند و اکنون بیش از هر زمانی تحقق آن نزدیک شده است. این دیدگاه السیسی یکی از دلایل اختلاف مصر با عربستان نیز می‌باشد. چرا که عربستان دقیقاً در مسیر خلاف این سیاست مصر حرکت کرده و به دنبال برکناری بشار اسد است. از سوی دیگر مصر یکی از حامیان مبارزه با گروه‌های تکفیری در منطقه است، چرا که این کشور نیز با این بحران به ویژه از جانب صحرای سینا دسته و پنجه نرم می‌کند. ایران نیز همواره خود را به عنوان صف مقدم مبارزه با این گروه‌ها مطرح کرده است.

تجربه ایران در آموزش نیروهای سوریه برای جنگ‌های نامنظم و مبارزه با تروریست‌ها می‌تواند به کمک مصر بیاید، چرا که بحران امنیتی و وجود گروه‌های تکفیری در مصر و کشورهای اطراف آن در ۵ سال اخیر، یکی از مشکلات و تهدیدهای این کشور بوده است. در این راستا تعدادی از سربازان مصری اخیراً به بندر طرطوس در سوریه اعزام شده‌اند تا شیوه‌های جنگ‌های نامنظم و زیرزمینی را فرا بگیرند. (۲) این اقدام مصر در اعزام سربازان به سوریه، هم بر شکاف بین این کشور با عربستان خواهد افزود و هم می‌تواند ظرفیت‌های نظامی مشترکی ایجاد کند که در سایه آن ایران و مصر با کمک روسیه می‌توانند در زمینه‌های نظامی از تجربه‌های یکدیگر بهره‌برداری کنند. دولت مصر در زمینه مبارزه با گروه‌های تکفیری می‌تواند از ارتش سوریه و مستشاران ایرانی که در سوریه حضور دارند برای آموزش نیروهای خود استفاده کند.

این مساله را نیز باید در نظر داشت که با وجود زمینه‌های مشترکی که میان ایران و مصر در مبارزه با جریان‌های تکفیری و در مساله سوریه وجود دارد، نمی‌توان با دیدی ساده‌انگارانه به بهبود روابط ایران و مصر نگاه کرد و شاید حل اختلافات دو کشور در همه زمینه‌ها در کوتاه مدت ممکن نباشد. اما مسائل منطقه‌ای می‌تواند مبنایی برای حرکت این دو کشور به سمت همکاری‌های منطقه‌ای باشد. عدم حمایت زمینی مصر از تجاوز عربستان به یمن، مخالفت با سرنگونی دولت بشار اسد در سوریه و حمایت از نبرد دولت عراق با داعش و دیگر جریان‌های تکفیری همگی پرونده‌های مشترکی هستند که تهران و قاهره می‌توانند به عنوان سنگ بنای بهبود روابط در نظر بگیرند. در عرصه بین‌الملل تنش‌زدایی و از سرگیری روابط بین کشورها همواره از یک موضوع کاملاً مشخص شروع و به تدریج به عرصه‌های دیگر تسری پیدا می‌کند. جمهوری اسلامی ایران که مبنای سیاست خارجی خود را بر پایه بهبود روابط با همسایگان و تلاش برای تثبیت امنیت منطقه‌ای ترسیم کرده می‌تواند از شرایط به وجود آمده استفاده کند. روسیه نیز می‌تواند به عنوان عامل تسریع‌کننده بهبود روابط عمل کند. تاکید ایران بر حضور مصر در نشست اخیر لوزان که با محوریت بحران سوریه تشکیل شد گام مهمی در این زمینه به شمار می‌آید و در آینده می‌تواند مبنایی برای تقویت همکاری‌های دو و چندجانبه ایران و مصر باشد.

در واقع مسئله سوریه و ایجاد سازوکار منطقه‌ای برای مبارزه با تروریسم می‌تواند زمینه مناسبی برای شکل دادن به یک دیپلماسی منطقه‌ای باشد که ایران و مصر از ضلع‌های اصلی آن باشند. در گذشته نیز مسائل منطقه‌ای باعث نزدیکی ایران و مصر شده است. ترکیه و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۵ یک پیمان همکاری نظامی راهبردی با یکدیگر امضا کردند. همکاری نظامی ترکیه و رژیم یهودی، فشار بر ایران، سوریه و مصر را تشدید می‌کرد. مصر این پیمان را عامل برهم‌زننده موازنه قدرت در منطقه می‌دانست و آن را نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی مصر، بلکه خطری برای امنیت تمام کشورهای عربی اعلام کرد. باکینام شرفاوی، نویسنده‌ی معروف مصری، می‌گوید: «پیمان نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی، رهبران مصر را به بازنگری در روابط آن کشور با ایران، با هدف ایجاد موازنه قدرت در منطقه، ترغیب نمود.» (۳) علاوه بر این، بحران بین سوریه و ترکیه در سال ۱۹۹۸ موجب نزدیک‌تر شدن ایران و مصر به یکدیگر شد. اختلافات ترکیه و سوریه بر سر منطقه‌ی «هاتای» یا «اسکندرون» و حمایت سوریه از کردهای ترکیه بود. در ژوئن ۱۹۹۸، هم‌زمان با شصتمین سالگرد الحاق اسکندرون به ترکیه، محمد سلمان، وزیر اطلاعات وقت سوریه، اعلام کرد که دمشق از ادعاهای خود بر ایالت اسکندرون، که ۶۰ سال پیش به ترکیه واگذار شده، صرف‌نظر نکرده است. به دنبال این اظهارات، روابط دو کشور متشنج شد. دو کشور نیروهای نظامی خود را در مرزها به حالت آماده‌باش درآوردند و احتمال جنگ بین دو کشور افزایش یافت. تلاش‌های مشترک ایران و مصر در بحران بین سوریه و ترکیه، که تا مرحله تهدیدهای نظامی پیش رفت، موجب شد تا بحران فروکش کند. این مسئله نشان داد که همکاری ایران و مصر برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای می‌تواند دو کشور را به یکدیگر نزدیک‌تر نماید. (۴)

منابع:

(۱) قابل بازیابی در پیوند زیر:

<http://yon.ir/N8m9>

(۲) <https://www.almasdarnews.com/article/egyptian-soldiers-arrive-syria-reports/>

(۳) <https://www.almasdarnews.com/article/egyptian-soldiers-arrive-syria-reports/>

(۴) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: اصغر جعفری ولدانی، اختلاف‌های سوریه و ترکیه بر سر منطقه‌ی هاتای، فصلنامه‌ی سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره‌ی ۳



به نظر می‌رسد که این ظرفیت وجود دارد که ایران و مصر در برخی حوزه‌ها به سمت بهبود روابط حرکت کنند و یک میانجی می‌تواند در این مورد بسیار موثر باشد. روسیه می‌تواند به عنوان این متغیر موثر عمل کند چرا که روسیه هم با ایران و هم با مصر روابط دوستانه و نزدیکی دارد.



www.Tabyincenter.ir

نشانی پایگاه اینترنتی:



۰۲۱-۲۶۱۵۳۲۳۹

شماره تماس جهت اعزام سخنران:



@Tabyincenter

شبکه (کانال) اندیشکده راهبردی تبیین در تلگرام: